

نادیده انگاشتن فعالان دینی و جامعه مدنی در افغانستان پس از سال 2001

در افغانستان دین به عنوان یک نیروی متنفذ در حیات روزمره و سیاسی مردم باقی مانده. اما در مباحثات بین المللی عملیه صلح و بازسازی در شرایط بعد از سقوط طالبان، ذکر دین منحصراً یک پدیده متنفذ، کم رنگ بنظر میرسد. نتیجتاً در این مباحث پالیسی ساز، علما و موسسات مذهبی ندرتاً حضور بهم می رسانند. بناً با درک اینکه جامعه جهانی تحکیم جامعه مدنی افغانی را یک امر مهم میبندارد، توجه اندک شان به فعالین و تاسیسات مذهبی سوال برانگیز است.

جامعه مدنی مذهبی توسط موسسات انکشافی و حکومت افغانستان و جهان به چه نظر دیده می شود؟ جامعه مدنی مذهبی چه برداشتی از پروسه فعلی انکشاف و صلح دارند، و در عموم چه نقش و فعالیت را در جامعه مدنی افغانی امروزی بازی می کنند؟ با این همه سوالات بعنوان نقطه آغاز، محققین انستیتیوت بین المللی تحقیقات صلح در ناروی (PRIO)، انستیتیوت کریس مجلسن (CMI) و انجمن همکاری برای صلح و همبستگی (CPAU) تحقیق جدیدی را روی دست گرفتند که نتایج عمده آن در لابلای این سند مورد بحث قرار میگیرد.

این تحقیق بر دو بررسی موردی از شهر کنز (کنز) و سید آباد (وردک) بنا یافته که در طی آن از چهل عالم دین و تعدادی از اهل خبره مصاحبه صورت گرفته و در سطح ملی هم از مقامات حکومت افغانستان، ممثلین بین المللی انکشاف و علمای دین معلومات استمداد گردیده. پیرامون موضوع از کتب و مواد معلوماتی همچنان استفاده بعمل آمده.

جامعه مدنی افغانی

نهاد های رسمی و مدرن جامعه مدنی یک پدیده تازه اند. در افغانستان ساختار های مروج و سنتی مانند شورا ها و جرگه ها، و تاسیسات مذهبی مانند مساجد و مدارس دینی و پیشوایان دینی یعنی علمای دین در طول تاریخ نقش مهمی را در جامعه و سیاست بازی کرده اند. در حالیکه در جریان سال های جنگ بسیاری از نهاد های رسمی و غیر رسمی رو به انحطاط گذاشتند، موسسات محلی جامعه مدنی مذهبی بر حال خود باقی ماندند.

در عین حال جامعه جهانی که در عملیه صلح و شکلهی پالیسی انکشافی افغانستان بعد از سال 2001 نقش کلیدی داشته اند درک خیلی محدودی از جریانات مذهبی داشتند. دونهای این سال ها عمدتاً از موسسات رسمی و غیر مذهبی انکشافی حمایه کردند. با تمرکز بر نقش خدماتی جامعه مدنی، دونهای به آنها بعنوان تطبیق کنندگان موثر پروژه های بازسازی و انکشاف نگرینستند. در نتیجه، نهاد های سنتی جامعه مدنی - بشمول نهاد های مذهبی - از اجرا همچو موارد بازماندند.

با آنکه عقیده اسلامی بالقوه مورد پذیرش همه افغان ها قرار دارد، تفاوت های عقیدوی هم در کشور بنظر آمده. با در نظر داشت این حقیقت، جامعه مدنی مذهبی افغانی هم متشکل از نهاد های همسان و هم نظر نبوده شامل گروه های اصلاح پسند، عناصر معتدل طرفدار حکومت، عناصر سنتی محافظه کار و بنیاد گراهای تندرو مخالف حکومت میباشند. ازینرو مباحثه همگانی به همه گروه های رقیب که به زبان مذهب صحبت می کنند صدا می بخشد.

کارکردهای جامعه مدنی:

جامعه مدنی مذهبی یک سلسله فعالیت های دارند که به اساس آن آنها در بین فعالین جامعه مدنی، با در نظر داشت صلاحیت معنوی و نقش شان مبنی بر ارتباط بخشیدن مومنان به عالم قدسی، از موقف مقدم ترو متمایزی برخوردار میگردند. بر علاوه این کارکرد ها، که عمدتاً دینی - مذهبی هستند، علمای دینی در افغانستان برخی کار ها و وظایف دیگر جامعه مدنی را نیز بترتیب ذیل انجام میدهند:

وحدت و انسجام اجتماعی:

علما و نهاد های دینی در افغانستان به مثابه محافظین سنتها و روش های دینی، پتانسیل قابل ملاحظه ای جهت تقویت نمودن پیوندهای درونی میان اعضای جامعه را دارند و همچنین از توانایی بوجود آوردن ارتباط میان گروههای مختلف برخوردارند. همچنان از موقعیت و جایگاه علما بعضاً برای شعله ور ساختن منازعه میان گروهها نیز استفاده می شود دقیقاً همانطوریکه از قدرت شان در ترویج صلح، آشتی و همکاری میان افراد و گروه های متخاصم میتوان استفاده کرد.

ارتباط عمومی و ادووکسی:

علمای دین بر علاوه اینکه آرای شانرا به ارتباط مسایل ملی و عامه همیشه ابراز میدارند، وسیله پخش اخبار به مردم هم میباشند. در افغانستان مساجد تنها جهت ادای مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می گیرد بلکه نقش قوی ای را در گسترش معلومات عامه و پیام های سیاسی نیز دارند. اجتماعات جمعه بخصوص از جمله مواقع مهم و پر نفوذ در ظهور نقش علما در سمت دهی افکار عامه به شمار می رود.

وساطت و حل منازعات:

علمای دینی افغان همیشه در راستای حل منازعات نقش برجسته ای ایفا نموده اند. این امرنه تنها به این دلیل که آنها از مسایل شرعی با خبر اند بلکه برای اینکه آنها بعنوان پیشوایان مذهبی از نفوذ قابل ملاحظه در ساختارهای مردمی برخوردار میباشند.

میانجیگری:

استقلال نسبی درموقف علما و ملاحای محلی، آنها را قادر به این میسازد که در قضایای مختلف بین جوامع شان و عوامل خارجی مانند دولت افغانستان، موسسات بین المللی و انجوها نقش میانجی را بازی کنند.

توزیع منابع و تأمینات اجتماعی:

نهاد های دینی افغانستان – مسجد و مدارس دینی – کارکردها ووظایف تأمینات اجتماعی را از طریق خیرات و توزیع منابع در داخل اجتماع، انجام می دهند. با این نقش، علما در تعریف حفظ و حراست از آنچه که به عنوان ارزشهای اخلاقی درست تلقی می شوند، به رهبران دینی متنفضی مبدل میگردند.

بنأ از این نقش و وظایف آنها در موارد مختلف استفاده میتوان کرد. به عنوان مثال آنها ممکن است که از دولت حمایت کنند یا با دولت مخالفت کنند، ممکن است صلح و همکاری را تقویت و تبلیغ کنند یا ممکن است از دشمنی و نزاع دفاع کنند. همین ابهام و سردرگمی است که نقش جامعه مدنی دینی را در امور صلح و آشتی، مهم و حیاتی می سازد.

نیرومند سازی و یا سواستفاده از روحانیون؟

در حدودیکه فعالین ملی و بین المللی امداد رسان نقش روحانیون را درتحولات شناسایی می کنند این ارتباط را میتوان یک جهته نامید.

فقدان دیالوگ اساسی:

در حالیکه مشارکت آنها محدود است، دولت و سایر فعالان توسعه – از قبیل سازمان ملل متحد – تلاش نموده اند تا از صدای علما جهت مشروعیت بخشیدن به پالیسی ها و برنامه های شان استفاده کنند و با آن به مستحقین پروژه دسترسی پیدا کنند، اما در عرصه ترویج و انکشاف نقش علما در راستای راه اندازی دیالوگ متداوم بین جانبین کارکمتر صورت گرفته. بنأ علمای دینی در باره وضعیت فعلی ایکه در آن دولت تنها زمانی از آنها طالب کمک میگردد که نیاز به حمایت از پالیسی اش داشته باشد، گله مندند.

تنش و تشریک مساعی:

ارزشها و شعاریرجامعه مدنی مدرن و جامعه مدنی سنتی در افغانستان، معمولاً در تضاد اند. علیرغم این اختلافات فعالین جامعه مدرن مدنی افغانی تا جاییکه به دیالوگ و فعالیت های پروژوی تعلق می گیرد نسبت به حکومت و موسسات امداد رسان بین المللی نقش فعالتری را بازی کرده اند.

علاقه مدنی به تشریک مساعی:

از میان رهبران دینی که با آنها در ولایات کندز و سیدآباد، مصاحبه شد، اکثریت قریب به اتفاق آنها نظریات و دیدگاههای مثبت درخصوص آجندای انکشافی دولت داشتند. تعدادی از علما هرچند که به نحو محتاطانه ای در مورد دولت مشکوک بودند، اما تعدادی از آنها بر این باور بودند که آنها می توانند به صورت مثبت در این آجندا از طریق ایجاد حمایت میان مردم و هم چنین از طریق مشارکت مستقیمتر در پروژه های انکشافی، سهم بگیرند:

- باوجود آن، از بیشتر علمای دینی دعوت به عمل نیامده است تا در چنین فعالیتهایی شرکت کنند.
- عموم علمای دینی، حتی بعضی در میان علمای سنتی نیز در مورد همکاری انکشافی خارجی تا جاییکه در مغایرت با عنعنات افغانی و اسلامی قرار نداشته باشند، نظر مثبت داشتند.
- اکثریت رهبران دینی و به طور کلی همه آنهايي که با آنان در وردک مصاحبه شد، نسبت به حضور نظامی خارجی، به شدت انتقاد داشتند. تمایل آشکار و روشنی در میان این رهبران دینی جهت تمایز نهادن و تفکیک میان حمایت و کمک خارجی برای انکشاف و کمک نظامی خارجی، وجود داشت. شایان ذکر است، که حتی آنهايي که نسبت به کمک نظامی خارجی انتقاد داشتند، از پروژه های انکشافی خارجی استقبال نمودند و تمایل شان را جهت همکاری با آنها، ابراز داشتند.

اهداف متناقض:

امروز دین خیلی ها جنبه سیاسی بخود گرفته و ارتباطات بین دولت و دین باعث مشاجره مییاشد، همچنانیکه نقش دین در حیات عامه.

دو دستگی (انشعاب) در میان علما:

متجمع دولتی علمای دینی موسوم به شورای علما، که اخیراً ایجاد شده است تا به دولت در خصوص مسایل دینی، مشوره دهد، سنت طولانی ای در افغانستان دارد. علما در مورد این شورا دیدگاه های مختلف دارند. در میان پاسخ دهندگان به این تحقیق، علمای دینی میانه رو و طرفدار دولت، این شورا را بعنوان اجتماع علما برای حمایت از دولت و پالیسیهای آن می دانند، دیگران (علمای دینی سنتگرا) معتقد بودند که علما باید مستقل از دولت باشند و حمایت دولت نسبت به علما را به عنوان استراتژیی جهت بدست آوردن مشروعیت، تلقی می کردند. با این برداشت، آنها به علماي که با حکومت پیوند دارند به عنوان عناصر سیاسی فرصت طلب و غیر مشروع خطاب کردند.

تعلیمات دینی افغانی:

در افغانستان دو حوزه تعلیمی کاملاً مجزا از هم وجود دارد یعنی تعلیمات دینی و عصری. افراط گرایی جوانان در مدارس خارجی حکومت را اخیراً مواظب ساخته تا جهت برخورد با این موضوع ابتکارات بدیل را روی دست گیرد. وزارت معارف اخیراً به ریفورم نصاب درسی مدارس دینی مبادرت ورزیده است که به اساس آن مضامین عصری و جدید به نصاب درسی سنتی مدارس گنجانیده میشود. با این امرچگونگی تعلیمات دینی به یک موضوع قابل مشاجره درآمده که در آن بعضی ها (مخصوصاً در حکومت) می خواهند نصاب معمول مکاتب را جایگزین نصاب فعلی سازند که در آن مضامین غیر دینی هم شامل باشد، در حالیکه دیگران (مخصوصاً در بین روحانیون) میخواهند که این موضوع به صوابدید مدارس باشد که در نصاب شان چی را می گنجانند. رشد نارضایتی نسبت به دولت و حامیان خارجی اش این احتمال را افزایش می دهد که رفورم تعلیمی در میان علمای دین با شک و تردید مواجه گردد بناً لازم است تاهنگام برخورد با این مسایل، تدبیر و حساسیت ها را در نظر گرفت.

تعلیمات دینی در خارج از کشور:

جذب و جذب طلبه دینی افغانی به گروه طالبان و سایر گروههای شبه نظامی، توجه تازه را به روند افراطی سازی جوانان مدارس دینی در خارج از کشور معطوف ساخته است. تصور عمومی در داخل حلقهات دولت و جامعه مدنی در افغانستان بر این است که فقدان دسترسی به تعلیمات با کیفیت دینی در داخل کشور، جوانان افغان را وا می دارد که به دنبال تعلیم به خارج از کشور بروند. تحقیق ما نشان می دهد که انگیزه های مرتبط با این مسئله متنوع بوده و شناخت ما از آنچه که واقعاً چه چیزی طلبه افغانی را به مدارس خارج از کشور پیوند می دهد، نسبتاً محدود است. اکثریت علمای دینی که با آنها در سید آباد و کندز مصاحبه صورت گرفت آموزش شان را از مدارس محلی فرا گرفته بودند. در حالیکه بدون تردید مدرسی وجود دارند که جوانان افغان را تندرو میسازند، با آنها ارتباط دادن تعلیمات همء مدارس خارج از کشور با افراط گرایی و تندروی مورد سوال است.

دلایل عدم مشارکت:

علیرغم اینکه بسیاری از فعالین ملی و بین المللی کمک رسانی نقش و امکانات جامعه مدنی مذهبی را در پروسه مهم و سازنده می پندارند با آن هم در آنها بی میلی قابل ملاحظه در گفت و شنود با علما دیده می شود چرا؟

- عدم و فقدان شناخت و درک شان از اینکه چگونه علما را در پروسه سهیم سازند. حساسیتهای سیاسی در کشورهای تمویل کننده می تواند به نوبه خود عدم مشارکت جامعه جهانی را با علمای افغان توضیح دهد.
- تلقی نمودن علما و نهادهای دینی به عنوان افراط گرایان پیکارجو، از لحاظ سیاسی مشارکت و شمولیت فعالان و نهادهای دینی را به عنوان شرکا در جامعه مدنی دشوار می سازد.
- در داخل دولت افغانستان و جامعه بین المللی این تصور وجود دارد که فعالان دینی اساساً مخالف مدرنیزاسیون (نوسازی) اند و به نظر می رسد که آنها نگرانیهایی در مورد قدرتمندتر ساختن علمای دینی از طریق شناسایی رسمی آنها دارند.

تنگ شدن فضا برای علمای دینی:

تشدید و افزایش خشونت در افغانستان فضا و زمینه را برای علمای دینی ای که میکوشند عرصه میانی را حفظ کنند، کاهش می دهد. علمای دینی ای که نه از دولت فعلی افغانستان و نه از طالبان حمایت می کنند، از سوی هر دو طالبان و دولت - مورد حمله قرار میگیرند. همچنان به دلیل اینکه به تعدادی از علما به عنوان عناصر با نفوذ در جوامع شان هم از سوی طالبان و هم از سوی دولت نگرینسته می شوند، آنها در وضعیت مخاطره آمیزی قرار گرفته اند. علما به عنوان تهدید نسبت به برخیها تلقی می شوند اما از سوی هیچ کسی حمایت نمی گردند. نادیده گرفتن علمای دینی و حمله بر آنها که با عدم توانایی دولت جهت حفاظت از آنها توأم شده است به افزایش شگاف میان فعالان دینی و دولت می انجامد.

افراطی گرایی: رسالت که ما انجام میدهم؟

پالیسی راندن و منزوی ساختن علما از بیم اینکه نفوذ شان تاثیر منفی ننماید مخاطره آنها را دارد که آنها به طرف بازی نمودن نقش منفی ترغیب نشوند. چون علمای که با حکومت و موسسات غربی همکاری میکنند در معرض خطر قرار دارند، این امر بسیار مهم است که با در نظر داشت حساست ها، با این گروپ مفاهمه مثبت آغاز گردد.

سفارشات:

مذهب بعنوان موضوع داخلی:

بسیاری از افغانها، حتی آنهاييکه کمک بین المللی را بنظر نیک می بینند، ارزش های دینی و فرهنگی را بعنوان موضوع محفوظ و داخلی پنداشته مداخله خارجی مخصوصاً از جانب افراد و کشور های غیر مسلمان را نمی پذیرند. این موضوع در بخش معارف و قانونگذاری بطور مشهود ملاحظه میگردد. در این بخش از تشریک تجارب کشورهای اسلامی بطور مثبت استفاده میگردد. بهر حال این بر دولت و جامعه مدنیست (به شمول جامعه مدنی دینی) که نقش متقدم را در تعیین چگونگی ارتباط دین و دولت ایفا نمایند. اگر در اینجا نقشی برای جامعه جهانی مسلمان وجود دارد تنها در بخش ازدیاد آگاهی و علمیت خواهد بود و آنها توسط تحقیق و تبادل معلومات.

در برگیری توسط دیالوگ:

دیالوگ به معنای فهمیدن موقف "جانب مقابل". علما باید خود را با مفاهیم اصل انکشاف آشنا سازند، مخصوصاً در موارد حقوق بشر، دموکراسی سازی، یعنی موضوعیکه در آن تفاوت های نظر وجود داشته تصورات نا درست ظهور نموده است که نتایج ناگواری را در بر خواهند داشت. کارمندان انکشاف و حافظ صلح - هر دو حکومتی و غیر حکومتی- دانش شان از دین و اجرای امور دینی در افغانستان را ارتقا بخشند.

آغاز مفاهمه مؤتمر:

بعضی از موسسات بطور موفقانه از موضوعات جدی مانند تعلیمات مدنی و پروژه های انکشافی بعنوان نقطه گشایش افهام و تفهیم با علما استفاده نموده اند. شیوه دیگری استفاده از طرز اسلامی توزیع کمک های خیریه و صدقات میتواند باشد که در آن علما نقش شانرا به شکل دراز مدت و سازنده ببینند. در تنظیم همچو طرز کار باید حکومت افغانستان با استفاده از تجارب کشورهای مسلمان دیگر نقش عمده را بازی کند. همچنان، چون مدارس محلی دینی در پخش معارف نقش مهمی داشته، حکومت باید بالای ابتکارات فعلی اش مبنی بر نزدیک سازی تعلیمات مدرن و دینی بیافزاید.

تقویه اساسات علمی:

امروز تفهیم نقش دین در افغانستان امریست بس مهم، این از آنجهت که با آن میتوان چلینج ها و منابعی که در مدارس و تاسیسات دینی وجود دارند را درک نمود. این را هم باید دانست که علمای دینی را چگونه عناصر قدرت مند مورد نفوذ، فشار و یا معامله قرار می گیرند. در مورد اعمال نفوذ در حلقه علما تا جاییکه دیده شده خود علما به هدف محدود سازی برتری یکدیگر خودرا در معرض نفوذ دیگران قرار میدهند تا با آن علایق خصوصی شانرا بدست آورند.

نتیجه:

در افغانستان هیچ برنامه ای در ارتباط به چگونگی آغاز مفاهمه با علما وجود ندارد. در بین افراد دخیل در پروسه تفاوت های عمیقی وجود داشته از یک قریه تا قریه دیگر، از یک منطقه تا منطقه دیگر و از یک فقه تا فقه دیگر اختلافات گسترده وجود دارد. اینکه چگونه در یک مورد خاص، با عناصر مذهبی مفاهمه می گردد باید به اساس تحلیل فرد تا فرد تعیین گردد. این مطالعه توانسته تا بعضی نکات مشترک را بین جانبین دریابد و اصرار میورزد که همه افراد و موسسات ملی و بین المللی که از جامعه مدنی افغانی حمایه میکنند نقش علما را به عنوان عضو کامل جامعه مدنی تصدیق و برسمیت بشناسند. عناصر دینی در شرایط فعلی خودرا تحت فشار جدی احساس می کنند. در حالیکه شورشیان خواهان وفاداری علما به خود میباشد، موسسات مهم که در انکشاف و مدرن سازی افغانستان مصروف اند در شنیدن نظریات علما دچار تردد اند و نمی توانند که از آنها (علما) حفاظت نمایند. علما از پوتنسیال فوق العاده زیر سوال بردن و یا تقویه پروسه صلح برخوردار اند. اینکه علما کدام یک از این نقش ها را می پذیرند ارتباط دارد بر اینکه آیا دیگران می خواهند که زمینه را برای دخیل سازی علما در پروسه آماده سازند و یا خیر.

مطالعات دیگر:

میرویس وردک، ادریس زمان و کنشکا نوابی - 2007، نقش و فعالیت های جامعه مدنی دینی در افغانستان: بررسی موردی از کندز و سید آباد و کابل
کایا بروشروینک - 2007، فعالین دینی و جامعه مدنی در تناظر انکشاف بعد از سال 2001 در افغانستان - اوسلو